



ابراهیم رئیسی برای رضایی ۳ حکم اقتصادی زد

پای برادر محسن بالاخره به پاستور باز شد

گروه سیاست: بالاخره محسن رضایی به آرزوی دیرینه خود رسید و وارد پاستور شد؛ البته نه به‌عنوان رئیس دولت. ابراهیم رئیسی دیروز در یک حکم، سه مسئولیت اقتصادی «معاونت اقتصادی رئیس‌جمهوری…»

صفحه ۳

پنجشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۰ • ۱۷ محرم ۱۴۴۳ • ۲۶ آگوست ۲۰۲۱

تترها

تأثیر طالبان بر اقتصاد ایران

صفحه ۵

اسپوتنیک–سینوفارم ابتلا به کرونا حتی بعد از دوز دوم

صفحه ۱۱

کمیسیون اصل ۹۰ مأمور رسیدگی به ماجرای اوین شد

اوین زیر ذره‌بین

صفحه ۲

چشم امید بنت به کاخ سفید

صفحه ۸

آخرین وضعیت وکلای بازداشتی

صفحه ۳

پیتر بوش با سردار آزمون تماس گرفت

صفحه ۱۱

حرف اول

مدیریت یاپایش!

سیامک قاجار قیولنو . وکیل دادگستری



در میان هیاهو و هیجان ناشی از طرح سیانت و حمایت، صوری زیرکانه و با انتخاب واژه‌های تشنگ طرح جدیدی به نام «الزام به انتشار داده و اطلاعات» تقدیم مجلس شده که براساس آن، حکومت مالک اطلاعات همه زندگی و کسب و کار مردم خواهد شد. این طرح به نظر من حتی خطرناک‌تر از طرح قبلی راجع به اینترنت است. چون طرح قبلی راجع به محدودیت اینترنت بود که همه می‌توانستند در هر سطحی درک درستی از توالی بد و نادرست آن داشته باشند، اما این طرح بخشی پنهان از فضای سنتی و سایر را نشان رفته که خیلی‌ها تصور می‌کنند از پیامدهای به‌شدت پلپسی آن ندانند و بنابراین مقاومتی عمومی علیه آن شکل نخواهد گرفت. همچنان‌که ندیدم تا الان کسی راجع به آن بنویسد. متنی است آشفته و پر از غلط‌های ساختاری، فکری، حقوقی، ادبی و البته املایی، که هم در کلیات ایرادات اساسی دارد و هم در جزئیات؛ هم در قلمرو شمول غلط است و هم در استنادکردن موارد آن. خلاصه، طرحی است معیوب و بلای جان ما ایرانیان. محض نمونه، تعریف این طرح از داده‌های شخصی و حریم خصوصی جالب است:

۲-۲- داده‌های شخصی: داده‌هایی که به تنهایی یا به همراه داده‌های دیگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند به شناسایی یک شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی خصوصی، عمومی یا دولتی) منجر شود.»

سرگذشت قانون دسترسی به اطلاعات دولتی سوئد برابم تداعی شد! در ۱۶۸۸ میلادی به‌موجب فرمانی از سوی پادشاه سوئد و بعضی استان‌ها، اسناد دولتی جزء اموال پادشاهی (مثل داده‌های شخصی مد نظر این طرح مجلس!) محسوب و انتشار آنها به‌طور صریح منع شد. هرچند درنهایت و با مبارزه مردم، سرانجام قانون آزادی مطبوعات ۱۷۶۶ تصویب و به قرن‌ها رازپوشی اداری، محدودیت در انتشار اطلاعات حکومتی و سانسور خاتمه داده شد. کاری که ظاهرا با تصویب قانون انتشار و آزادی دسترسی در سال ۱۳۸۷ در ایران انجام شد و معلوم نیست این بند ۲-۲ تا با وجود تعارض آشکار با قانونی که خود مجلس در سال ۱۳۸۷ تصویب کرده، چه وجاحتی دارد؟

ادامه در صفحه ۴

روزنامه شرق

محسن روحی صفت، دبیر سابق ستاد افغانستان:

احمد مسعود دنبال جنگ نیست

گروه دیپلماسی: نظیر مسافری است که نیمی از راه را رفته، نه با پاهای خودش، که روی شانه‌های پدرش؛ «احمد مسعود» را می‌گوییم. آنجا که او امروز ایستاده، روی شانه‌های پدرش است. همان نقطه‌ای که عملیات انتحاری دو غریبه…

صفحه ۴

سال هجدهم • شماره ۴۰۸۰ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

مجلس بی توجه

سیدمصطفی هاشمی‌تبا



چندی پیش فیلم کوتاهی از یکی از جلسات مجلس شورای اسلامی منتشر شد. در این فیلم که متعلق به سال‌های دهه ۸۰ که متعلق به سال‌های دهه ۸۰ بود و ریاست مجلس طبق آنچه در فیلم نشان داده شد، با آقای محمدرضا خاتمی است، یکی از نمایندگان خوزستان با حرارت و ارائه آمار و اطلاعات با لحنی التماس‌گونه درخصوص مسائل آب استان صحبت می‌کند. اینکه گفتار ایشان مقرون به صحت و درستی یا غیر آن باشد، برای نویسنده قابل گمانه‌زنی نیست و نیاز به ورود کارشناسی دارد؛ اما آنچه در این فیلم جلب نظر می‌کند و نویسنده از این بابت می‌نویسد، رفتار نمایندگان مجلس در حین سخنرانی این نماینده است. درحالی‌که نماینده خوزستان با حرارت و التماس سخنرانی می‌کند، رئیس جلسه خود را به خواندن نامه‌ای مشغول کرده است و دیگر نمایندگان نیز یا توجه نمی‌کنند یا راه می‌روند و حتی دو نفر ملبس به لباس روحانیت، به گفت‌وگو و خنده فی‌مابین در مدت سخنرانی مشغول هستند و در نهایت نتیجه آن می‌شود که امروز ما در دشت خوزستان می‌بینیم؛ یعنی مردمی که زیر پایشان نفت است و استخراج و صادرات آن فراهم‌کننده اداره کشور است، با چنین مشکلاتی روبه‌رو هستند. در اینجا نمی‌خواهم مشکلات خوزستان را باز کنم؛ زیرا بسیار مفصل بوده و معضلات آن بسیار پیچیده است و راه‌حل‌های آن، که برای برخی از آنها راه‌حل نمی‌توان یافت- بسیار هزینه‌بر، دقیق و نیاز به تکنولوژی برتر دارد و از توان این نویسنده خارج است. در اینجا فرصت را مغتنم شمرده و به بهانه آنچه در فیلم ذکرشده دیده شد، به رویکرد مجلس می‌پردازیم. همان‌طور که واضح است، مجلس شورای اسلامی از سه واژه «مجلس»، «شورا» و «اسلامی» تشکیل شده است. مجلس اسم مکان است، یعنی محلی برای «جلس» یا نشست؛ پس مجلس، راهرو، جاده، پیاده‌رو و گردشگاه نیست و نمایندگان باید در صندلی‌های خود جلوس کنند. «شورا» به معنی عمل شور یعنی مشاوره افراد با یکدیگر است؛ یعنی در مجلس افراد به مشاوره با یکدیگر می‌پردازند و «اسلامی» یعنی آنکه عمل مشاوره باید حسب ضوابط اسلامی باشد و بالطبع این آیه شریفه را به ذهن متبادر می‌کند که «جادلهم بالتی هی احسن». البته وقتی مجادله باید از نوع بهترین باشد، مشورت که جای خود دارد. اما بنییم مجلس شورای اسلامی ما در ادوار مختلف چگونه عمل کرده است. مجلس شورای اسلامی «ما» از ابتدا محل داد و فریاد، کتک‌زدن، راه‌رفتن، خندیدن و شعلار بوده است، نه نشست و مشاوره از نوع احسن و نتیجه‌گیری درست؛ زیرا اصولا تشکیل مجالس ما بر اساس اقدامات و دیدگاه‌های سیاسی بوده و بالطبع سیاستون دروغا در پی مورعوب‌کردن و ملوکوک‌کردن مخالفان هستند و نه عمل به مصداق فیشربعادی‌الدین یستمعون القول فیتبعون احسنه، حتی موضوع تصمت و از اکثریت انداختن مجلس نیز مطرح بوده است و این به معنای آن است که اقلیت که به هر حال باید خارج تبعیت اکثریت باشد، از شیوه‌های سیاسی خلاف مرامیات مجلس استفاده کرده است. گمان برده نشود که از مجلس اصولگرایان با اصلاح‌طلبان در این نوشته حمایت می‌شود. در این مختصر فرصتی است تا به رفتار برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در همه ادوار اعم از اصلاح‌طلب یا اصولگرا نگاه شود؛ کمابینکه فیلم سخنرانی نماینده خوزستان مربوط به مجلسی با اکثریت اصلاح‌طلب بود. به همین مجلس فعلی نگاه کنیم. در اینکه مجلس حق دارد و البته وظیفه دارد که رئیس‌جمهور و وزرا را به مجلس فرا بخواند و آنان را مورد سؤال و نقد قرار دهد، تردیدی وجود ندارد؛ اما ملاحظه می‌شود هرگاه وزیری در صحن مجلس حاضر می‌شود، جز دشنام، فریاد و مطالب نامربوط مطلبی نمی‌شنود. ممکن است گفته شود برخی انگشت‌شمار چنین می‌کنند. آیا انگشت‌شماران را نباید از این کار بازداشت؟ اگر به پارلمان انگلیس نگاه کنیم، می‌بینیم نخست‌وزیر که در حقیقت فرد اول کشور است (ملکه کاملاً تشریفاتی است)، مرتب در مجلس حاضر می‌شود و درباره مسائل مختلف با نمایندگان به بحث می‌نشیند، درحالی‌که در مجلس ما دو رویکرد مختلف دیده می‌شود؛ یا می‌گویند دعوت از رئیس‌جمهور و به‌سؤال‌کشیدن او، شأن او را پایین می‌آورد یا می‌خواهند رئیس‌جمهور را به مجلس بیاورند تا هرچه فحش، تهمت و ناسزااست نثار او کنند و البته رئیس‌جمهور هم با پیش‌بینی این امر و آنچه در مقابل وزرا انجام شده، در مجلس حاضر نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۴



عسکری، علیرضا زبیبی، به‌شکله خبرنگاران جوان

۱۸ نفر از کابینه دولت سیزدهم رأی اعتماد گرفتند

همه به جز یک نفر

قالیباف مخاطب تذکرات شفاهی

صفحه ۲

راه و شهرسازی	موافق	مخالف	میراث فرهنگی و گردشگری	موافق	مخالف
رستم قاسمی	۲۶۷	۱۴	سیدعزت‌الله‌ضرغامی	۲۶۲	۱۳
صنعت، معدن و تجارت	موافق	مخالف	نفت	موافق	مخالف
سیدرضا قاضی‌امین	۲۰۵	۶۰	جواد اوجی	۱۹۸	۷۰
علوم، تحقیقات و فناوری	موافق	مخالف	نیرو	موافق	مخالف
محمدعلی زلفی‌گل	۲۱۰	۵۶	علی اکبر محرابیان	۲۲۰	۴۷
فرهنگ و ارشاد اسلامی	موافق	مخالف	ورزش و جوانان	موافق	مخالف
محمدمهدی اسماعیلی	۱۸۱	۷۷	سیدحمید سجادی هز اوه	۱۶۵	۱۰۸
کشور	موافق	مخالف	کابینه دولت سبیز دهم	موافق	مخالف
احمد وحیدی	۲۶۶	۱۶		۱۸	۱

یادداشت

تأملی در نقدنامه سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



سیداحمد غفاری

پرداخته‌اند، دسترسی یافته و از مداخل و مقاصد سند اطلاع یابند.

نکته سوم: کلی‌بودن تدابیر سند الگو به دلیل ماهیت سند

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حقیقت یک سند تمدنی است که ذیل آن، باید سیاست‌های کلی، برنامه‌های پنج‌ساله و سالانه نوشته شود. به عبارت دیگر، سند الگو، سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه‌ریزی کشور است و اسناد برنامه‌ای کشور، باید ذیل این سند تدوین شود تا به کف زمین اقدام برسد. به همین جهت، در سند بالادستی نمی‌توان به جزئیات پرداخت. در همین راستا، اشکال آقای حقیقت به جزئی‌بودن تدبیر شماره ۲۵، اشکال ناواردی است؛ زیرا «توقف خام‌فروشی…» عامل اقتصادی کلی است که اجرائی و عملیاتی شدنش نیازمند برنامه‌های زیردستی است. با بیان فوق، اشکال دیگر وی مبنی بر اینکه «مگر می‌شود ۵۶ تدبیر برای همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عبارت‌اند از برخی استادان شاخص و برتر در حوزه و دانشگاه. از این رو، روشن است که ارزیابی و بررسی تحلیلی و انتقادی سند الگو برای اعضای تصویب‌کننده و شکل‌دهنده به سند الگو، مطلوب است و از دو جهت حائز اهمیت؛ یکی اینکه سبب چکش‌کاری و اتقان سند می‌شود و دیگر اینکه هرگونه بررسی و ارزیابی به سبک تحلیل با انتقاد، سبب طرح سند در میان اذهان عرف خاص و عام می‌شود و همین نیز برای پژوهشگران عرصه سند الگو بسیار ارزشمند است. گویی به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب نیز در تاریخ ۲۲ مهر سال ۱۳۹۷ اقدام به ابلاغ محدود سند الگو خطاب به جامعه نجبگانی کرده و آنان را دعوت به بررسی و تحلیل و نقد کردند. تاکنون محافل حوزوی و دانشگاهی فراوانی به دعوت رهبر معظم انقلاب اهتمام ورزیده و به بررسی عالمانه آن پرداخته‌اند و مقالات ارزشمندی در مجلات پژوهشی در همین زمینه منتشر شده است.

نکته دوم: ضرورت رعایت روش نقد

منتقد موفق به منتقدی اطلاق می‌شود که درخصوص موضوع مورد نقد، اطلاعات خویش را کامل کرده و با رویکرد همدلانه به نقد و ارزیابی موضوع مورد نقد بپردازد؛ ضرورتی که در نوشته جناب حقیقت، مفقود است. او و همه محققان دانشگاهی و حوزوی به سهولت و از طریق ارتباط با روابط عمومی مرکز الگو، می‌توانند به پیوست‌های منضم به سند، که به تشریح هرکدام از واژگان اصطلاحی و گزاره‌های بنیادین سند

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نبرد رستم و کاموس کشانی



مهدی افشار پژوهشگر

گیو کرد و هر دو ایشان نگاه از او برگرفتند. در این میان یکی از پهلوانان زابلی، الوای نام، تیغ برکشید و به میدان ناخت. رستم غمین گشت، چراکه می‌دانست الوای را توان مقابله با آن پهلوان چینی نیست، او تنها نیزه‌دار رستم بود و در نزد او چندان هنر نرم نیاموخته بود. رستم تنها توانست به او هشدار دهد که به خود مغرور نشود. کشانی به محض دیدن الوای، چون گرگی درنده به میدان ناخت و با همان شتابی که وارد میدان شده بود با نیزه بلند خویش او را از زین برکند و به آسانی بر زمین افکند، سپس عنان اسب خویش بگرداند و پیکر از رفق و توان افتاده الوای را زیر پی اسب خویش درهم کوبید و بارها و بارها اسب را به لگدکوفتن بر آن پیکر زهم‌پاشیده واداشت. تهمت شتابنده بود، ناگام گذاشت، رستم پیاده با کمک گیو بازو افکنده، اشکبوس را از پای درآورد و چنان بیمی بر دل تورانیان افکند که سپاه توران دیگر پهلوانی را به میدان نفرستاد و دو سپاه از هم فاصله گرفتند تا دیگرار آماده مبارزه شوند. شب‌هنگام رستم به پهلوانان سپاه ایران گفت اگر در نبرد امروز تورانیان بسیاری در خاک فروغلتیدند، اما در برابر انبوهی آنان، تعداد به‌خاک‌افتادگان هیچ است. با روششای روز همه آماده نبرد شدند و رستم یاران را گفت: «تن زنده، نام می‌خواهد نه تنگ و من رخش را نعل بسته‌ام و بر آتم که تیغ خویش را به خون آنان چون لعل گردانم و یک‌سرو نوید داده است که چون از این نبرد پیروز سر برآورد، از گنج او مزد رنج خویش را درخواهید یافت.» آن‌گاه رستم جامه رزم بپوشید، زره در زیر، جوشن در میان و ببر بیان را روی آنها و کلاهخود بر سر نهاد و با یاد یزدان پاک کمر برسته، چون پیل مست بر پشت رخش بنشست و آسمان از آن فرازجای به این نشو، با ستایش می‌نگریست. در این هنگام الوای بوق‌ها و شیپورها و کوس‌ها از دو سپاه برخاست و زمین از جامه رزم پوشیدگان چون آبنوس سیاه‌رنگ و تاریک و جهان لرز لرزان شد و از سم ستوران به ستوه آمد. در آن سوی، کاموس کشانی، پهلوانی که همه چینیان و تورانیان امید به او بسته بودند بر میمنه سپاه و در سمت چپ سپاه توران، پهلوان هندی و در قلب سپاه، خاقان نشسته بر حماری بر پشت پیل، جای گرفت؛ آن به فرماندهی، در سپاه ایران، فریزر، شاهزاده ایرانی در میسره جای گرفت. آن‌چنان که خورشید تابان در برج بره فرار می‌گیرد و در جناح راست سپاه، گودرز کشتواد بود فرورفته در بولاد و در قلب سپاه، توس و در پیشاپیش آنان کوس و گران‌نوازان به شوراگفتی. نخستین کسی که پای به میدان نهاد و از خشم، خون جگر بر لب آورد، کاموس بود که خروش برآورد: «آن جنگجویی که پیاده می‌چنگد کجاست، همو که از میان چینیان رزمنده‌ای می‌خواست. اکنون اگر پای به میدان گذارد، دیگر هرگز تیرتی نخواهد افکند.» پهلوانان ایران‌زمین چون قامت کوه‌پیکر او را دیدند، هیچ‌یک پای پیش نگذاشتند. توس نکاست به ره‌رام و او این چنین به درخواهی رفتار کنی.

ادامه در صفحه ۳